

هدف دولت از واگذاری  
هیکو به شستا چیست؟  
آذر آب ۲

سال اول. شماره ۴۰  
۲۱ تیرماه ۱۳۹۹

نخستین هفته نامه الکترونیک غیر برخط استان مرکزی

غلامرضا سحاب از پژوهشگران برجسته و پیشکسوت عرصه  
صنعت چاپ و نشر کشور و از مفاخر استان مرکزی درگذشت

عاشق شکوفه های بادام

# غلامرضا سحاب از پژوهشگران برجسته و پیشکسوت عرصه صنعت چاپ و

## نشر کشور و از مفاخر استان مرکزی در گذشت

# عاشق شکوفه های بادام

گردشگری ایران، نقشه جهان‌نما با متن فارسی، مسجد کبود (فیروزه اسلام)، دومین اطلس جغرافیایی دوره قاجار شامل نقشه‌های ایران، تهران و قاره‌های جهان در یکصد و بیست سال قبل از جمله آثار غلامرضا سحاب محسوب می‌شود.

وی، یکی از مجموعه‌داران نقشه‌های تاریخی در ایران بود و نقشه‌هایی را از عربستان جمع‌آوری کرده بود که در آن از خلیج فارس به الخلیج فارس یاد شده بود. سحاب هر ساله در روز ملی خلیج فارس، آن نقشه‌ها را به نمایش عموم می‌گذاشت و همچنین نقشه‌هایی از خلیج فارس که متعلق به هزار سال پیش بود را جمع‌آوری کرده بود.

محمدرضا سحاب، مدیر مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب درباره برادرش غلامرضا سحاب که به تازگی درگذشت، گفته است: زنده‌یاد غلامرضا در موسسه سحاب در کار نقشه‌کشی و کارتوگرافی از قدیم با ما همکار بود و تا سال ۸۳ در این موسسه به فعالیت مشغول بود اما پس از آن چاپخانه‌ای با نام هنرآفرین تاسیس و با فرزندان‌شان در آن چاپخانه مشغول به کار شدند.

وی افزود: بنیاد فرهنگی سحاب را پدرم (عباس سحاب) در سال ۱۳۷۶ در تفرش تاسیس کرد که البته مدتی نیز راکد بود و در سال ۹۵ غلامرضا آنجا را فعال کرد و چند سالی بود که مشغول فعالیت در این منزل آبا و اجدادی بود، این خانه نیاکانی در تفرش و در باغی بزرگ به مساحت سه هزار و ۵۰۰ متر است که غلامرضا و پسرانش در این مکان مشغول کار چاپ بود.

مسئول دانشنامه مفاخر ایران درباره وی می‌گوید: مرحوم غلامرضا سحاب از مفاخر ارزشمند استان مرکزی است و از نسل سوم این خاندان و از پیشکسوتان صنعت چاپ و نشر کشور به شمار می‌رود. دکتر حسین سبحانی افزود: برای راه اندازی بنیاد سحاب و شکل گیری آن خاندان سحاب زحمات زیادی را متحمل شدند. وی اظهار داشت: شکل گیری بنیاد سحاب به همت و تلاش غلامرضا سحاب توسط سه نسل از این خاندان راه اندازی شده و اکنون فرزند غلامرضا سحاب، نیما در این مجموعه فعالیت دارد.

مسئول دبیرخانه دانش مفاخر استان مرکزی گفت: همچنین دبیرخانه مفاخر استان مرکزی در حال ساخت مستند غلامرضا سحاب است تا با معرفی زندگینامه این دانشمند فرزانه راهگشای کسانی باشد که به این حرفه علاقه دارند. دکتر سبحانی افزود: غلامرضا سحاب جامع ترین وقایع زندگی خود را به صورت روزشمار در قالب کتابی به رشته تحریر درآورده که برای علاقمندان ارزشمند و راهگشا است.

### آثار غلامرضا سحاب

اصول علم جغرافیا: جغرافیای محمد صفی‌خان نسخه برابر اصل (شناخت از سه کتاب درسی جغرافیایی)، اطلس شصت سال کارتوگرافی (نقشه‌نگاری) آثار قلمی استاد عباس سحاب ۱۳۷۳- ۱۳۱۳ شمسی، اسناد تصویری کلات نادری و سرخس، پسر طبیعت (قصه حی بن یقظان)، اولین نقشه برجسته نمای جمهوری اسلامی ایران، نقشه

استان مرکزی را می‌توان به عنوان زادگاه مفاخرتاریخ ایران نام برد، وجود بزرگان تاثیرگذار این خطه در تاریخ که امروز زندگینامه آنان در موزه مفاخر اراک به چشم می‌خورد، گواه این حقیقت است یک چهارم مفاخر کشور از استان مرکزی هستند که شامل یک هزار و ۱۲۵ دانشمند فرهیخته است. این خطه عالم پرور در طول تاریخ، مهد پرورش مفاخر و بزرگانی بوده است که شهرت و آوازه برخی از آنان همچون امام خمینی(ره) بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، آیت الله العظمی اراکی، پروفیسور محمود حسابی، میرزا تقی خان امیرکبیر، ملا احمد نراقی، ادیب الممالک فراهانی، عباس اقبال آشتیانی، فخرالدین عراقی، قائم مقام فراهانی، آیت اله نورالدین حسینی، آیت اله محسن عراقی، میرزا حسن آشتیانی در سطح ملی و بین المللی پیچیده است یکی از این دانشمندان ارزشمند این خطه، استاد غلامرضا سحاب است که سال ۱۳۲۷ در تهران متولد شد. این دانشمند فرهیخته کارتوگراف و جغرافیدان ایرانی فرزند عباس سحاب بنیان‌گذار مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب و کارتوگراف (نقشه‌نگار) معروف و نوه ابوالقاسم سحاب بود که از او به عنوان پیشکسوت صنعت چاپ و نشر نیز یاد می‌شود. سحاب دوران ابتدایی و دبیرستان را در مدرسه بوعلی و مدرسه روزبه سپری و مدرک دیپلم خود را در رشته ادبی اخذ کرد و در سال ۱۳۵۷ در رشته تاریخ، از دانشگاه شهید بهشتی فارغ‌التحصیل شد.

سحاب به آثاری که غلامرضا چاپ کرده نیز اشاره کرده و گفته است: «مفتاح الاعلام» اثری ارزشمند است که از زنده‌یاد ابوالقاسم سحاب به یادگار مانده است، این کتاب پنج جلد بوده که یک جلد درباره خاورشناسان است و چهار جلد دیگر یکی درباره زنان و سه جلد دیگر درباره رجال است.

وی می‌گوید: آن مرحوم ۳۰ سال روی این کتاب کرده است، آن زمان کامپیوتر نبود که بتواند اعلام را فهرست کند بلکه ۳۰ صفحه درباره «الف»، ۲۰ صفحه درباره «ب» و... را گردآوری و سعی می‌کند آن را به شکل الفبایی تنظیم کند و در واقع زنده‌یاد غلامرضا این را از روی نسخه خطی در سه جلد تنظیم کرده و پیش از اینکه به رحمت خدا برود منتشر شده اما هنوز به بازار کتاب نیامده است. وی به کتاب دیگری که به کوشش غلامرضا سحاب منتشر شده اشاره کرد و گفت: «تاریخ خجسته» عنوان کتاب دیگری است که زندگی، زمانه و آثار استاد ابوالقاسم سحاب تفرشی از ۱۲۷۵ تا ۱۳۱۵ خورشیدی می‌پردازد و این کتاب از سوی چاپ انتشارات دنیای جغرافیای سحاب و از سوی بنیاد فرهنگی سحاب به چاپ رسیده و در واقع یادداشت‌های روزانه ابوالقاسم سحاب است و اطلاعاتی ارزشمند و نایاب از تاریخ زندگی وی (از دوران کودکی تا سال ۱۳۱۵)، ارائه می‌دهد.

مدیر مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب ادامه داد: غلامرضا چاپ عکسی چند اثر جغرافیایی و سفرنامه از دوره قاجار را منتشر کرده است این آثار کار جدیدی نیست بلکه کتاب‌ها را اسکن کرده و چاپ عکسی آن را منتشر کرده است وی در عین حال که این آثار قدیمی را به چاپ می‌رساند به کار پژوهش و تحقیق نیز دلبستگی داشت. به گفته محمدرضا سحاب، استاد عاشق کارش بود و احاطه عجیبی به نقشه و کارتوگرافی داشت از دور که نقشه‌ای را می‌دید، می‌شناخت تمام ویژگی‌ها و تاریخچه آن را به دقت بازگو می‌کرد. بنا بر اطلاعات موجود، استاد غلامرضا سحاب سالها با مشقت فراوان، سالنامه تفرش، فراهان و آشتیان را تالیف و

منتشر می‌کرد از سال ۹۳ به این فکر افتاد که برای هر منطقه، سالنامه جداگانه ای تهیه کند. غلامرضا سحاب پیشکسوت صنعت چاپ و نشر پیش از ظهر سه‌شنبه ۱۷ تیر درگذشت.

#### به یاد استاد

غلامرضا امیرخانی معاون سابق سازمان اسناد و کتابخانه ملی درباره غلامرضا سحاب می‌گوید: «مرحوم با گذشت سالیان فراوان، دست نوشته‌های منتشرنشده جدش، ابوالقاسم سحاب، را به نحو احسن نگهداری کرده و در صد چاپ آنها بود. با من طرح موضوع کرد به امید آن که کتابخانه ملی همتی به خرج دهد و در این اقدام ارزشمند پیشگام شود. صادقانه بگویم به ملی امیدی نیست. بهترین جا به نظر من کتابخانه مجلس است به سبب حضور رئیسی که فقط یک ملاحظه دارد و تنها به یک چیز می‌اندیشد: کار و لاغیر. پیشنهاد با استقبال مرحوم سحاب مواجه شد. با دکتر جعفریان هم طرح موضوع کردم که نهایتاً منجر به جلسه‌ای در دفتر ایشان شد: یار همیشگی سحاب، استاد نازنین و کم

نظیر دوران، جواد صفی نژاد هم بود. مرحوم اسماعیل دمی‌رچی هم آمد. دکتر ططری و کیانوش کیانی هم حضور داشتند. سحاب دست نویس‌های پدرزگش را همراه داشت که با خط خوش تحریری نوشته بود. به طور مبسوط و با شور و شغف آنها را معرفی کرد و به جمع نشان داد. متأسفانه ایام پایانی مسئولیت جعفریان در آنجا بود و در نتیجه، این توفیق، رفیق کتابخانه مجلس نشد که این مجموعه ارزشمند را منتشر کند. سحاب خود آستین همت بالا زد. پس از سال‌ها، تاریخ خجسته را به چاپ رساند که مجموعه روزنوشت‌های ابوالقاسم سحاب است و همین چند وقت پیش هم مفتاح الاعلام را که زندگینامه علمای مسلمان است را به زیبایی به دست چاپ سپرد که اتفاقاً رونمایی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه و دفتر جعفریان صورت گرفت.

به هر حال، آن جلسه خروجی ارزشمندی داشت: ارتباط و آشنایی غلامرضا سحاب و دکتر صفی نژاد با رسول جعفریان که تا پایان عمر مرحوم سحاب ادامه یافت. چرا که الحق، جعفریان گوهرشناس خوبی بود و هست. چند نوبت دیگر هم به بهانه‌های مختلف دور هم جمع شدیم.







از جمله شبی که در منزل سحاب، مهمان ایشان و همسر مهرانش بودیم. نادر مطلبی کاشانی و خانم خسروی (از همکاران کتابخانه ملی) و همسرش شهاب، هم حضور داشتند. منزل سحاب، خود یک آرشیو جغرافیایی بود مملو از انواع نقشه و اطلس و کتابهای جغرافیایی، اعم از فارسی و لاتین.

نوبت دیگری هم در منزل دکتر صفی نژاد، مهمان بودیم که او هم پدیده ای است در عشق و دلبستگی به جغرافیا و نقشه و کتاب. ناهار به صرف آبگوشت بود با حضور مهندس سحاب و احمد مسجدجامعی دوست داشتنی که یار و یاور همه فرهنگیان بوده و است.

سحاب در یک جمله عاشق کارش بود. احاطه عجیبی به نقشه و کارتوگرافی داشت. از دور که نقشه ای را می دید، می شناخت. تمام ویژگی ها و تاریخچه آن را به دقت بازگویی کرد. سعی می کردم در این اوقات، سراپا گوش باشم و مطلب یاد بگیرم. و چقدر خوش اقبال بودم که از سال ۱۳۸۳ به بعد محضر او را درک کرده بودم. یک دنیا آرامش و طمانینه بود. با همان لحن و گفتار آرام همیشگی، نکاتی از نقشه ها می گفت که یقیناً در هیچ دانشگاه و کلاسی گفته نمی شد. در امر چاپ بسیار خوش سلیقه بود. با کمک پسرانش، خصوصاً نیما که در این سالها بیشتر با پدر همراهی می کرد، دستگاه های چاپ و اسکن تخت بسیار پیشرفته ای تهیه کرده بود. از سال ۹۳ به دنبال تهیه فرمت دیجیتالی از نقشه های نفیس کتابخانه ملی بودم که اسکن آنها به دلیل ابعاد بزرگ نقشه ها، کارساده ای نبود. با همت همکاران خوب کتابخانه ملی، دکتر سادات بیدگلی و مهندس شهرابی در سال ۹۴ نقشه های نفیس و تاریخی کتابخانه ملی را به کمک مرحوم سحاب اسکن کردیم که تصاویر با کیفیت آن موجود است و به گمانم اولین و آخرین باری بود که چنین کاری در کتابخانه ملی صورت پذیرفته است.

دو بار هم به معنی واقعی کلمه آبروی کتابخانه ملی را خرید. در یک نوبت در هفته فرهنگی ایران در کشور الجزایر که به انتخاب دوست خوش سلیقه و

می ورزید: زادگاهش تفرش. مظهر زیبایی در نگاه او، شکوفه های بادام بود در بهار دل انگیز زادگاهش. او خود حلقه وصلی بود برای اهل علم و فرهنگ اهل تفرش و خاندان های سرشناس این دیار فرهیخته پرور. از خاندان کاظمی (باقر و عزالدین از رجال خوشنام وزارت خارجه) گرفته تا خاندان میرفخرایی و حجازی (من جمله محمد حجازی داستان نویس) و میرسعیدی (خانواده عبدالله و نصرالله انتظام) و میرهادی (من جمله توران میرهادی) و مجتبابی (خانواده استاد یگانه دوران، دکتر فتح الله مجتبابی).

سالها و با صرف هزینه قابل توجه، یک تنه سالنامه تفرش و فراهان و آشتیان را تالیف و منتشر می کرد. از سال ۹۳ به این فکر افتاد که برای هر منطقه، سالنامه جداگانه ای تهیه کند. از من خواست اگر از افراد سرشناس فراهان کسی از قلم افتاده، اضافه کنم. یادم هست از زنده یاد احمد بورقانی و مهندس صفایی فراهانی، شرح حالی مختصری تهیه و برای او ارسال کردم که در سالنامه مستقل فراهان در سال ۹۳ چاپ شد.

بدون شک، نبود سحاب، ثلمه ای است به فرهنگ ایران زمین که از یک سو غنی و تنومند است و از جانب دیگر، مظلوم و مهجور. فرهنگی که عموماً در دولتها، اولویت آخر است و در بین بهره مندان از مال و مکنت، کمتر عاشق و پشتیبانی دارد. روحش شاد باد و راهش پر رهرو.»

هنرمندم، جناب دکتر شکراللهی، طومار نفیسی از یک قرآن خطی به طول یازده متر برای نمایش انتخاب شد. تصویربرداری هنرمندانه سحاب و چاپ با کیفیت آن، تحفه ای شد در اختیار دوست و همکار عزیزم، جناب مهندس عارف نیا که آن را همراه خود به کشور الجزایر برد و بعداً تعریف کرد که چگونه مورد توجه بازدیدکنندگان واقع شده بود و یکبار دیگر تصویری از یک نقشه بسیار نفیس از سرزمین پروس که به هنرمندی هر چه تمام تر و با انتخاب خود سحاب، آماده شد و به عنوان هدیه ای نفیس توسط دکتر صالحی امیری به مقامات آلمانی هدیه شد.

از حدود ده سال پیش، او به فکر تجدید چاپ برخی آثار نایاب جغرافیایی به زبان فارسی افتاد. چند کتاب منتشر کرد. از آن جمله دومین اطلس جغرافیایی دوره قاجار که باز هم با حسن سلیقه و انتخاب او و دکتر صفی نژاد و با کمک سعید بختیاری، مدیر انتشارات گیوتاشناسی، به سرانجام رسید. سال ۱۳۹۱ در پژوهشکده اسناد، نشستی در رونمایی و معرفی این کتاب برگزار کردیم. در همین سالها کارهای چشم نواز دیگری هم روانه بازار نشر کرد. از آن جمله کتاب مسجد کبود، نوشته حی بن یقظان (زنده بیدار)، مرد جهانی از بیرجند در باره مرحوم دکتر محمدحسن گنجی و ....

علاوه بر نقشه و جغرافیا و چاپ کتاب، سحاب به یک موضوع دیگر هم عشق

در حالی که همه منتظر واگذاری شرکت هپکو به ایمیدرو بودند خبر رسید که بخشی از سهام این شرکت با دستور رئیس جمهور به دلیل بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی واگذار می شود. سهام واگذار شده تقریباً غیرمدیریتی است و علاوه بر بخشی از سهام هپکو، سهام شرکت هایی نظیر دخانیات ایران، شرکت آلومینیوم جنوب، پتروشیمی دماوند، توسعه گردشگری، پالایشگاه نفت امام خمینی شازند، آلومینیوم جاجرم، طلای زرشوران و ماشین سازی تبریز جمعاً به میزان ۳۲ هزار میلیارد تومان با این مصوبه در اختیار سازمان تأمین اجتماعی قرار می گیرد. این در حالی است که که مطابق صورتجلسات و مصوبات اخیر هیأت دولت، مقرر شده است که تمامی شرکت های وابسته به سازمان تأمین اجتماعی، به بخش خصوصی واگذار شوند و بی شک واگذاری سهام شرکت هپکو به صورت ناگهانی به شستا نتایج خوبی به همراه نخواهد داشت.

واکنش ها به این خبر بیش از آنکه امیدوار کننده باشد حاکی از نگرانی شدید کارشناسان و صنعتگرانی است که در سال های اخیر بارها به دولت هشدار دادند که با اقدامات اشتباه وضعیت این شرکت را بدتر نکند.

یک کارشناس تولید و اقتصاد استان مرکزی درباره واگذاری هپکو به شستا به خبرگزاری فارس گفت: واگذاری هپکو به شستا این شرکت را یک قدم به مرگ نزدیکتر خواهد کرد. حسین دلاوری اظهار کرد: در خصوص واگذاری سهام هپکو به تأمین اجتماعی، چون تأمین اجتماعی به پول نیاز دارد و هپکو به جای طلب ۵ هزار میلیاردی از دولت به این سازمان واگذار می شود. وی تصریح کرد: در صورت واگذاری هپکو

به شستا این خطر وجود دارد که سهام مدیریتی هپکو و یا سایر دارایی های این شرکت به فروش برسد. کارشناس مسائل اقتصادی ادامه داد: احتمال اینکه شستا از محل فروش سهام اقدام به همسان سازی حقوق بازنشستگان کند وجود دارد. دلاوری گفت: هپکو ۱۰۰۰ میلیارد بدهی دارد و علاوه بر آن برای راه اندازی نیاز به سرمایه در گردش هم دارد و فقط دیرکرد بدهی های هپکو و حقوق سالیانه بیش از ۳۰۰ میلیارد است که اصولاً تأمین اجتماعی علاقه و تخصصی برای راه اندازی این شرکت نخواهد داشت. وی تأکید کرد: راحت ترین کار برای شستا خرد کردن و فروش سهام و یا دارایی هاست تا به پول برسد و این نابودی هپکو را رقم خواهد زد. این کارشناس مسائل اقتصادی بیان داشت: از نظر تجاری منطقی نیست که شستا پولش را نگیرد و سالی ۳۰۰ میلیارد هم به هزینه هایش اضافه کند و از طرفی به همسان سازی حقوق بازنشستگان هم هزینه دارد. دلاوری تأکید کرد: این نوع واگذاری و با این قیمت با هیچ مدل رونق کار و تولید در هپکو سازگار نیست، فروش احتمالی سهام کنترل می شود توسط تأمین اجتماعی، هپکو را به سمت آذرآب شدن خواهد برد و هیچ کس مسئولیت آن را بر عهده نمی گیرد.

نایب رئیس شورای اسلامی کار شرکت هپکو نیز با بیان اینکه شستا توانایی راه اندازی و توسعه هپکو را ندارد گفت: با توجه به شرکت های تابعه شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی در حوزه های داروسازی، سیمان و غیره، به درستی می توان تشخیص داد که مجموعه شستا هیچ گونه ارتباط تخصصی با مجموعه ماشین آلات راه سازی ندارد. ابوالفضل رنجبر افزود: جامعه کارگری توان تشخیص و اظهار نظر در مورد واگذاری را نداشته اما نسبت به این موضوع خوش بین نیست.

وی بیان کرد: هنگامی که مالکیت شرکت با شستا و مدیریت با ایمیدرو

باشد، قطعاً مشکلاتی در پی خواهد داشت که باید تصمیمات اساسی در این زمینه اتخاذ شود.

سیدامیر میرناصری، یکی از کارگران هپکو نیز در توییت خود در این باره نوشت: از بی برنامه گی و بی تدبیری دولت همین بس که پس از ماه ها برنامه ریزی و هیاهوی تبلیغاتی و رسانه ای برای واگذاری هپکو به ایمیدرو، ناگهان خبر واگذاری هپکو به تأمین اجتماعی (شستا) بابت بدهی دولت به وزارت کار داده شد. به گفته میرناصری ۵۶۰۰ میلیارد از این مقدار، متعلق به هپکو است.

نمایندگان اراک هم به این خبر واکنش نشان داده و از این اقدام ابراز نارضایتی کردند.

محمدحسن آصفری نماینده مردم اراک، کمیجان و خنداب در مجلس می گوید: واگذاری هپکو به شستا اشتباه است و امروز مجموعه ای که می تواند هپکو را نجات بدهد بخش صنعت و معدن است که کار تخصصی دارد. وی ادامه داد: دولت باید هپکو را در اختیار وزرات صمت و ایمیدرو قرار دهد که بتواند مشکلات نبود کار و بازار را برای این شرکت حل کند، اگر چتر حمایتی وزارت صمت یا وزارت راه و شهرسازی و سازمان همیاری و دهیاری های کشور که به تولیدات هپکو نیاز دارند بر سر این شرکت نباشد با مشکل مواجه خواهد بود، پس هیچ توجیهی برای واگذاری هپکو به شستا وجود ندارد و این اتفاق شرایط را بدتر خواهد کرد.

علی اکبر کریمی دیگر نماینده اراک نیز بیان کرد: تصمیم دولت برای واگذاری شرکت هپکو به سازمان تأمین اجتماعی در صورتی که اکنون مراحل بررسی واگذاری این صنعت به سازمان ایمیدرو به نتیجه نرسیده جای بررسی بیشتری دارد و انتظار می رود که هر تصمیم و تدبیری که برای آینده آن اتخاذ می شود به احیا، رونق تولید و بازگشت آن به روزها و سال های اوج تولید و فعالیت بیانجامد.